وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله
مذاکرات مجاهدین ودولت به کجا انجامیده است
ص۲

حافظ و رمز ورازهای عارفانه اش
ص۴

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ نهم | چهارشنبه ۱۳ جوزا ۱۳۸۳ | ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۲۵ - 2 June 2004

استاد ربانی رهبر جهاد ومقاومت دراجتماع ضرورت سازماندهی مجدد و اعلام مواضع جدید جمعیت:

ما با کاندیداتوری آقای کرزی به توافقات نهایی نرسیده ایم



- **مبارزهٔ ما اکنون یک مبارزهٔ فرهنگی سیاسی است ونیروهای مسلح پیشین ما به دولت تعلق دارند**
- **اگر دنیا بخواهد کسی را برملت حاکم بسازد، خواب است وخیال**

الحمدلله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی وبعد:

با درود بی پایان بر روان شهدای عزیز کشور که در راه دفاع از استقلال، آزادی، عزت وسر افرازی ملت عزیز ما بانثار خون ها وجان های شیرین شان حماسه آفریدند وبا سلام بر همه دلیر مردان وشیر زنان کشور ما که با ثبات واستواری از کشور، هویت ملی، تاریخ وافتخارات میهنی خویش دفاع کردند. باتشکر از هیأتی که این اجلاس را سازمان دادند وبا اجازه از همه برادران و خواهران، پیشوایان بزرگوار جهاد ومقاومت، روشنفکران هدفمند وخواهران عزیزمان.

مطالب زیاد است، البته نمی توان همه مطالب را گفت وبحری را در کوزه گنجاند.

در مورد جمعیت اسلامی، ناگزیرم چند مطلبی کوتاه را ابراز کنم. جمعیت اسلامی افغانستان، نهضتی است که خاستگاه او محیط دانشگاه است، دانشمندان هدفمند، جوانان مبارز، علمای روشن وآگاه را باخود دارد، این جریان فرهنگی وسیاسی در روزهایی که کشور ما در بحران و در آستانهٔ مشکلاتی فراوان قرار داشت کارش را شروع کرد، فرزندان آگاهی که این خطرها را شاهد بودند، به یاد دارند روزی به عنوان اعتراض در دوران صدراعظم اعتمادی، نامه یی خیلی تند نسبت به اوضاعی که در کشور جریان داشت نوشتیم. در جریان صحبت ها به او گفته شد که دولت کنونی توان ادارهٔ کشور را از دست داده است. اگر نمی توانید کشور را اداره کنید لطفاً کرسی خود را بگذارید. فراموش نمی کنم، اعتمادی که خداوند او را ببخشد گفت: همسایهٔ شمالی، ما را اجازه نمی دهد.
ص۳



جمعیت اسلامی افغانستان

ضرورت سازماندهی مجدد و اعلام مواضع

گزارشگر: ندیم

جمعیت اسلامی افغانستان، گردهم آیی را تحت عنوان "جمعیت اسلامی افغانستان ضرورت سازماندهی مجدد و اعلام مواضع" بر گزار نمود.

در این اجتماع که به روز دو شنبه ۱۱ جوزا در تالار کابل ننداری تدویر یافت بیش از دو هزار نفر اعم از شخصیت های جهادی کشور ،نمایندگان مؤسسات بین المللی ، ژورنالیستان، استادان و شاگردان دانشگاه های کابل ، و دیگر هم شهریان اشتراک داشتند. این همایش با شکوه با تلاوت آیاتی ازکلام الله مجید وبه گردانندگی واقف حکیمی آغاز یافت و پس از آن خانم حبیبه صحبت نموده وگفت:

"انقلابی که با همت بلند فرزندان این سرزمین و در روشنایی رهنمودهای اسلام در کشور راه انداخته شد باعث خروج متجاوزان از کشور، وموجب رهایی ملت های اروپا و آسیا از چنگال هیولای کمونیسم جهانی گردید.

اما مجاهدان با توطئه ها روبه روگردیدند و تهمت هایی کوناگون متوجه آنان شد. نهضت اسلامی زنان افغانستان، با شناختی واقع بینانه،
ص۶

رمضان بشردوست وزیر پلان:

انجوها باید تمام مصارف خود را گزارش دهند

آقای رمضان بشردوست وزیر پلان دولت انتقالی اسلامی افغانستان به روز چهارشنبه مورخ ۶ جوزا کافتیریای وزارت پلان را افتتاح کرد . مصرف نان چاشت تمام پرسونل این وزارت از پول ماهوار وزیر پلان که به نام خرچ دسترخوان یاد شده است، آماده شده وبرای پرسونل این وزارت توزیع می گردد . آقای بشردوست قبل از این که این کافتیریا را افتتاح نماید به سوالات جمعی از خبر نگاران پاسخ ارائه نمود.

او گفت :
ص۸

حماسهٔ خونین هشت جوزا

روز فراموش ناشدنی

ص۷

په ننګرهار کی کروندګر له سختو اقتصادی ستونزو سره مخامخ دی

دامریکا غږ راډیو دخبر له مخی دننګرهار کروندګر د وچکالی او دکوکنارو دکښت دله منځه وړلو له امله داقتصادی ستونزو او دکار د نشتوالی له کبله کډی کولو ته اړشوی دی چی زیاتره دغه مصیبت خپلی خلك ددور بابا
۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

مذاکرات مجاهدین و دولت به کجا انجامیده است؟

چند ماهی می شود که آقای کرزی جهت کسب حمایت مجاهدین بارهبران وفرماندهان آنان گفتگوهایی را انجام می داده است، در اواخر هفتهٔ گذشته خبر نهایی شدن این گفتگوها به رسانه های همگانی راه یافت وچنین بازتاب کرد که این رهبران وفرماندهان مجاهدین در ازای حمایت خود از کاندیداتوری آقای کرزی در انتخابات ریاست جمهوری بخشی بزرگ از قدرت را در حکومت آینده تصاحب خواهند کرد که ریاست ستره محکمه وریاست پارلمان ومعاونت های ریاست دولت وشماری از کرسی های وزارتخانه ها را شامل خواهد شد. این خبر موجی از واکنش های موافق ومخالف را در هردو جناح مجاهدان ومخالفان آنان ایجاد کرد. برخی آن را گامی در جهت تحکیم وحدت ملی وایجاد یک حکومت فراگیر تلقی کردند وشماری آن را توطئه یی برضد دموکراسی نوپای افغانستان وتحریف انتخابات آینده خواندند.

کسانی از افراد دولت ضمن تأیید این گفتگوها چنین وانمود کردند که این گفتگوها نه به تقاضای رییس دولت که به پیشنهاد شماری از رهبران مجاهدین صورت پذیرفته است. سخنگوی آقای کرزی هم در بار نخست چندان بالحنی قاطع از این گفتگوها حمایت نکرد وافزون بر ان یک مقام ارشد وزارت اطلاعات وفرهنگ این گفتگوها را در روزنامهٔ رسمی دولت «انیس» به صراحت ضد دموکراسی ونقض آشکار قانون اساسی ومخالف اصول انتخابات آزاد ومجاهدین را جنایتکاران جنگی خواند.

هرچند اظهارات اخیر سخنگوی دولت وسخنان برخی از سران مجاهدین به ویژه سخنان آشکار محترم استاد ربانی در روز دوشنبهٔ گذشته در یک همایش بزرگ به بسیاری از پرسش ها در این باره پاسخ گفت وبسیاری از ابهام ها را روشن کرد که مذاکراتی با آقای کرزی در بارهٔ آیندهٔ کشور وموضوع کاندیداتوری ایشان برای ریاست جمهوری آینده وجود دارد ولی این گفتگوها تاکنون به مرحلهٔ نهایی نرسیده است.

مردم بی صبرانه انتظار دارند که این مذاکرات چه وقت وچگونه به انجام خواهد رسید؟ از سوی مجاهدان برای به موفقیت نشستن این مذاکرات مبانی وارزش هایی برای مدیریت دولت آینده در زمینه های سیاسی وفرهنگی واجتماعی واقتصادی وبازسازی آماده گردیده واز سوی آقای کرزی مورد پذیرش واقع شده است. باید این ارزش ها ومبانی به عنوان«پلات فارم» انتخاباتی آقای کرزی مطرح شود. این ارزش ها ومبانی به رعایت وحمایت از ارزش های اسلام ومبارزه برضد مفاسد اخلاقی و توسعهٔ حاکمیت ملی وثبات وامنیت ومشارکت همهٔ اقوام وگروه ها در مدیریت کشور توجه دارد.

جمعیت اسلامی افغانستان در شرایط کنونی به این باور است که به جای رقابت های حاد سیاسی وانتخاباتی بهتر است به توسعهٔ امنیت وثبات سیاسی توجه صورت گیرد و تلاش شود که همه گروه ها وشخصیت های مطرح در سیاست وجامعهٔ افغانستان در پیرامون این اهداف بلند جمع شوند و از تصمیم در بارهٔ مسائل ملی به دور نمانند.

واقف حکیمی

یک نگاه شتابان به قانون انتخابات

قانون انتخابات افغانستان که راهکارهای انتخابات ریاست جمهوری وپارلمان وسنا وشوراهای ولایت ها و ولسوالی ها را مشخص می کند، روز پنجشنبه ۷ جوزا توسط حامد کرزی دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح شد.

این قانون پانزده روز پیش در مجلس وزیران دولت انتقالی اسلامی افغانستان به تصویب رسید وچند تن از وزیران مؤظف شدند تا آن را برای توشیح رئیس دولت مورد بازنگری وتدقیق قرار دهند.

قانون انتخابات در پانزده

نظر به قانون اساسی باید ویژگیهای حوزه های انتخاباتی در این قانون انتخابات مشخص می شد وبه فرمان رئیس دولت واگذار نمی گردید

فصل گرد آمده است وشصت و دو ماده دارد.

این قانون به سان بسیاری از قوانینی که توسط شورای وزیران دولت انتقالی به تصویب رسیده است خالی از اشکالات جدی وتناقض وتعارض های صریح باقانون اساسی و درمیان ماده های خود نیست.

برپایهٔ مادهٔ هشتاد وسوم قانون اساسی دورهٔ کار پارلمان در اول سرطان پنج سال پس از اعلان نتایج انتخابات به پایان می رسد وپارلمان جدید به کار آغاز می کند، در حالی که براساس مادهٔ سی وهفتم قانون انتخابات زمان برگزاری انتخابات حداقل ۹۰ روز پیش از تاریخ مورد نظر اعلان و در حالی ما هم اکنون در پانزدهم جوزا قرار داریم وتاریخ انتخابات اعلان نشده است. وقتی این انتخابات برای پنج سال آینده صورت می گیرد، ناگزیر امدت آن در اول سرطان سال پنجم پایان نمی آید وهمچنان مدت کار رئیس جمهوری مبنی بر مادهٔ شصت ویکم قانون اساسی در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد. این مادهٔ قانون اساسی به عین مشکل آغاز وانجام کار پارلمان پیشین وپسین روبه روست. این تعارض تنها به یک صورت رفع می گردد و آن این که مدت کار ریاست جمهوری وپارلمان وسنا وشوراهای ولایت ها و ولسوالی ها با در نظر داشتن قانون اساسی برای این بار به کمتر از پنج سال کاهش یابد و لی باید توجه داشت که این کار نیز مخالف مفاد قانون اساسی است؛ زیرا آن مدت کار این نهادها را پنج سال تمام گفته است!!

از سوی دیگر قانون انتخابات برای برگزاری انتخابات آینده تاریخی مشخص ذکر نکرده است. وبراساس مفاد قانون اساسی باید همهٔ مسائل مربوط به انتخابات در این قانون روشن می گردید.

براساس قانون اساسی «حوزه های انتخابات وسایر مسائل مربوط به ان در قانون انتخابات تعیین می گردد» اما در قانون انتخابات آمده است که حوزه های انتخاباتی توسط فرمان رئیس دولت، ۱۲۰ روز پیش از انتخابات تعین واعلام می شود، نظر به قانون اساسی باید ویژگیهای حوزه های انتخابی در این قانون انتخابات مشخص می شد وبه فرمان رئیس دولت واگذار نمی گردید.

در قانون انتخابات هریکی از کاندیداهای ریاست جمهوری مکلف شده است که برای تثبیت کاندیداتوری اش تصویر کارت رأی دهی ده هزار نفر را به دست آورد. این مسأله مخالف سری انجام شدن روند رای گیری است که در ماده های شصت ویک و شصت و دو [illegible] شده است. برخی از کاندیداهای ریاست جمهوری به این باورند که این شرط از سوی دولت آقای کرزی جهت در مضیقه قرار دادن کاندیداهای دیگر نهاده شده است واین کار امنیت وجان برخی [illegible] بعضی [illegible] مخا[illegible]

همچنان [illegible] وارد [illegible] کمیسیون [illegible] تام [illegible] همه [illegible] کمیسیون مستقل انتخابات [illegible] رییس دولت تعین شده است که این مسأله وبه نحوی استقلالیت آن را تحت سؤال می برد.

این قانون به سان بسیاری از قوانینی که توسط شورای وزیران دولت انتقالی به تصویب رسیده است خالی از اشکالات جدی وتناقض وتعارض های صریح باقانون اساسی و درمیان ماده های خود نیست

دجهاد او مقاومت د ارزښتونو تحقق او ملی یووالی غواړو

شاه محمود

دجوزا د میاشی په ۹ نیټه د جمعیت اسلامی مشر استاد برهان الدین ربانی د اشنا راډیو له خبریال سره د مرکی په ترڅ کی و ویل: زموږ هدف د افغانستان دملت دټولو خلکو ترمنځ ملی پیوستون او یووالی دی چی زموږ په هیواد کی سراسری امنیت او ثبات تامین شی. د دغی ستری ملی موخی په خاطر دا لازم دی چی ټول دملی مسئلو په وړاندی خبری وکړو او دغه راز خبروته دوام ورکړو.

دجمعیت اسلامی مشر په خپلو خبروکی زیاته کړه موږ له هرچا او هر لوری سره البته دجهاد او مقاومت دوخت دټاکلو ارزښتونو په رڼا کی چی موږ نی تثبیت او دوام غواړو خبری کوو، موږ غواړو چی دغه دایره نوره هم پسی پراخه شی او بیلابیل اړخونه او ګوندونه په کی برخه واخلی او ټول هغه کسان چی بیرون پاتی دی دغه راز خبروته را ودانګی او له موږ سره په تصمیم نیولو او ګډ تفاهم کی شریک شی

که موږ د محترم استاد ربانی مرکی ته خیرشو نو دوه فاکتونه په کی ډیر برجسته شوی چی یوئی دټول افغانستان د بیلابیلو ملیتونو ترمنځ د ورورۍ او یووالی ټینګښت دی او بل ئی دجهاد او مقاومت د دوران دارزښتونو ساتنه او تثبیت دی چی نن ورځ دغه دواړه زموږ د اسلامی ټولنی د سلامتیا، پرمختګ او نظام جوړونی له پاره ضروری عناصر بلل کیږی

دملی وحدت او سراسری پیوستون په نشتوالی کی موږ نه سوله او ثبات منځ ته راوړی شو او نه دکومی سیاسی . اقتصادی اوانی لپاره پلان او پروګرام جوړولای شو. نو له هرڅه لومړی باید د یو عادلانه نظم او نظام دجوړولو، قانونیت او بیا رغاونی له پاره زموږ د ولسونو د بیلابیلو قومونو ترمنځ دملی وحدت مزی وغځیږی، داعتماد او باور فضا پیدا شی او بیا وروسته دهمدغه ملی وحدت په رڼا کی د یو واحد، پیاوړی او سمسور هیواد دجوړولو له پاره دیو ولسواکه نظام بنسټ کیښودل شی، داسی نظام چی زموږ ټول میشت ورونه قومونه په کی خپل موجودیت او ارزښت احساس کړی

۷مخ

ما با کاندیداتوری آقای کرزی به توافقات نهایی ...

بار دیگر یک تن از هیأتی که با اویکجا بودیم برایش گفت: بفرمایید چوکی را بگذارید تا به کی کشور را به سوی بحران سوق می دهید. به هرحال جمعیت اسلامی از آغاز جداً مخالف کارهای تشنج زا وفعالیت های کودتایی وسرکوب کننده بود، وبرهمین اساس بود که هزاران جوان در میان اردوی آن وقت خواهان گرفتن کارت عضویت جمعیت بودند. ولی ما تا روزهای اخیر طرفدار دادن کارت به عناصر نظامی نبودیم و بعد از آن که داوود خان به کمک یک تعداد نظامی ها کودتا کرد ما مجبور شدیم به نظامی هایی که سخت اصرار داشتند باجمعیت همکاری کنند، کارت عضویت بدهیم. ما آرزوداشتیم در یک مبارزهٔ سیاسی وفرهنگی در کشور تغییرات اساسی بیاید. نظام کشور، نظام جمهوری باشد. کودتای داوود خان بالآخره تعداد زیادی را به زندان ها کشاند وجمعی که از چنگال پلیس نجات یافتند آواره ومهاجر شدند. ناگفته نماند در روزهایی که ضربات سنگین تعذیب وشکنجه متوجه اعضای جمعیت در زندان ها بود باز هم ما خواهان جنگ با نظام داوود خان نبودیم. من نامه یی سرگشاده به داوود خان نوشتم ونامه هایی دیگر هم به نعیم خان ودیگران واز آنها خواستم که بیش از این روش سرکوب گرانه را کنار بگذارند. در آن نامه گفته بودم، این بندهای ریگی که شما در برابر قهر ملت ایجاد کرده اید، در برابر توفان خشم ملت از بین می رود. حتی به خاطر این که به عواقب بد آن او را متوجه ساخته باشم، رساله یی نوشتم وبرایش روان کردم ونوشتم که داوود خان گذشتهٔ ننگین، حاضر جنایت بار ومستقبل خونبار دارد ونوشتم اگر دموکراسی را اعلام نکنی، دروازه های زندان را باز نکنی ومجال برای مردم ندهی، خودت و خاندانت در انتظار حوادث خونباری خواهید بود. به هرحال تلاش هایی زیاد داشتیم، به حکم مجبوریت راهی دیگر در برابر ما نبود من نامه یی دیگر هم به زعمای کشورهای اسلامی به زبان عربی نوشته بودم: داوود خان جسرٌ تعبر علیه الشیوعیه العالمیه. «داوود خان پلی است که از روی آن کمونیزم بین المللی عبور می کند.» این نامه ها را وقتی خودم به حج رفته بودم کسی که همرایم بود درمیان مردم وزعما تقسیم می کردیم. بعضی ها می خواندند وآن طرف می انداختند، بعضی ها هیچ متوجه نبودند. در جایی بسیار غمگین نشسته بودم، سردار عبدالقیوم خان رهبر آزاد کشمیر متوجه شد وبه طرفم آمد وپرسید که چرا غمگین هستی؟ جواب دادم که ملت های مسلمان در چه حالت بی غمی به سر می برند حتی به خود وقت نمی دهند که یک ورق از رنج های ملت مظلوم را بخوانند. وی به من تسلی داد وگفت: غمگین نباش روزی این زعما به درگاه شما خواهند آمد.

به هرحال مبارزهٔ مسلحانه را آغاز کردیم. به برادرها می گفتم که نباید به جهاد شروع کنیم اولاً جوانان ما اهداف جهاد را بدانند. کورس ها را ترتیب داده بودیم. یادم می آمد که یکی از آشنایان من، به شدت تهدید می کرد که استاد ربانی طرفدار مبارزهٔ فرهنگی ومخالف مبارزهٔ مسلحانه است. در آن دوران این حرف قابل قبول هیچ کس نبود.

در دورانی که همه با احساس تند می خواستند برای نجات کشورشان سلاح بردارند من می گفتم که ما باید یک مرحله یی را بگذرانیم که بدانیم برای چه مبارزه می کنیم.

نشود کسانی که به جنگ می روند، به جایی که بادشمن بجنگند، اشتباهاتی را مرتکب گردند. باید اصول جهاد اسلامی ومبارزهٔ آزادی بخش را برای آنان بیاموزانیم. بازهم تأکید می کنم که در آن روزها سخت متوجه بودیم که چه کارهای فرهنگی بکنیم. رئیس تعلیم وتربیهٔ ما قاری صاحب اسرار الله بود. اگر صدها یاهزارها بگوییم مبالغه آمیز نخواهد بود که در کمپ ها در جمهوری اسلامی پاکستان وجمهوری اسلامی ایران مکتب پسرانه ودخترانه را گشودیم. در زمینهٔ مطبوعات به همه زبان های ملی کشور ازبیکی، فارسی، پشتو، بلوچی وبه زبان های دیگری هم کوشش می کردیم که جریده یی داشته باشیم. نه تنها ده ها جریده ومجله برای رشد مطبوعات در داخل محیط هجرت داشتیم، بلکه در هرسنگری مخصوصاً سنگرهایی که مربوط جمعیت بود، از خود یک جریده یی داشتند. به نام های مختلف وحتی جرایدی به زبان انگلیسی داشتیم. انجنیر اسحاق یکی از مدیران مجله یی بود که به زبان فارسی وانگلیسی نشر می شد. حرکت بازسازی در همان دوران شروع شده بود. کلینیک ها مکاتب وسرک ها را اعمار می کردیم. در دوران جهاد در فرخار، ورسج وحوض ویغنان سرک ساختیم. من به همه برادران گفتم، تعجب است که پادشاه سابق افغانستان برای شکار در این منطقه می آمد اما تاهنوز هم سرکی وجود ندارد، در حالی که ما به همه جا سرک ساختیم. ما

در دورانی که همه با احساس تند می خواستند برای نجات کشورشان سلاح بردارند من می گفتم که ما باید یک مرحله یی را بگذرانیم که بدانیم برای چه مبارزه می کنیم

در همان دوران فهمیدیم که مبارزهٔ خود را چگونه شروع بکنیم. در آن روزها غیر از ما کسی دیگر درصحنهٔ مقابله بانظام های کودتایی واتحاد شوروی وقت به صورت چشمگیر حضور نداشت، ولی ما گاهی هم اعلامیه های خود را تحت نام محاذ مشترک ملی پخش می کردیم. اعلامیهٔ اول محاذ مشترک ملی، نشریهٔ نمبر یک، نشریهٔ نمبر ۲ وناگفته نماند حتی کسانی که از گروه های دیگری مربوط به احزابی که حتی با ما مخالف بودند حاضر به همکاری شده بودند از آنها هم دوستانه وبرادر وار استقبال کردیم. فراموش نمی کنم منشی غورزنگ ملی داوود خان هم در وقت مهاجرت جزء همین محاذ مشترک ملی شد وهمچنان افراد مربوط به مساوات مرحوم میوندوال را در این جریان داخل ساختیم.

ما در آن زمان فکر کردیم که نشود تعدادی از جوانان احساساتی، در برابر استادان وشخصیت هایی که در اثر نظام های کودتایی مهاجر می شدند بی احترامی کنند. به این استادها وشخصیت هایی محترم که از داخل کشور می آمدند، خانه های خاصی تعیین کردیم به نام مرکز تحقیقات علوم. در این مرکز مواد مختلف در عرصه های اقتصاد، تاریخ، ادبیات، فلسفه وانجنیری وجود داشت. ودارای کتابخانه ها بود.

استادان به جوانان درس می دادند و کورس دایر می کردند. کتاب هایی هم نوشتند وکسانی که می خواستند به اروپا وامریکا مهاجر شوند از همین مرکز تحقیقات علمی. از اسلام آباد مهاجر می شدند. بعداً دفتر دیگری به نام اسناد جهاد ایجاد گردید.

به ارتباط قضایای فرهنگی می گویم که دیروز در بستر فرهنگی به کار خود آغاز کردیم. یک بار دیگر جمعیت به بستر قوی خود برگشته ومبارزات ما فعلاً فقط فرهنگی وسیاسی است، دیگر تمام مربوطین تنظیم ما به دولت ونظام اردوی ملی، و پلیس دولت انتقالی اسلامی ارتباط دارد.

اینها در بست در اختیار دولت قرار گرفته و دولت تصمیم می گیرد که از آنها چیزی می سازد ویا آنها را بی سرنوشت می سازد.

قسمی که دیده می شود اکثر آنها در بی سرنوشتی به سر می برند که خیلی درد انگیز است. دولت ونظام هیچ متوجه این ها نیست و درد آورتر این که نه تنها متوجه آنها نیست بلکه تحت نام های مختلف مطبوعات دولتی علیه آنها حرف هایی نادرست وحوصله شکن هم به زبان می آورند.

مسایل زیادی وجود دارد که باید روی آن تماس بگیرم، زیرا قضایایی که امروز درمیان جامعهٔ ما مطرح است، دین و دموکراسی، دین وسیاست، انتخابات، مسألهٔ امنیت، خلع سلاح، تروریزم، حقوق زن، حقوق بشر، حضور جامعهٔ بین المللی، مسایل طالبان، وحدت ملی، بحران بی اعتمادی، هویت ملی و ده ها مسایل دیگر. سلسله صحبت هایی داشتیم، برای مردم زیاد سوال برانگیز بوده که چه معامله یی پشت پرده روان است، این ها چه چوکی ها را میان خود تقسیم می کنند، و امثال این ها قضایای زیادی است که ایجاب می نماید تاصحبت های زیادی بالای آن کنیم. اما ممکن در این فرصتی که ما وشما داریم نتوانیم به صورت همه جانبه روی همه مسایل بحث بکنیم، گزیده، گزیده روی بعضی آنها صحبت می کنم.

نزد بسیاری ها این سوال موجود است که فعلاً در کشور ما مسألهٔ دموکراسی مطرح بحث است. این ها با این ذهنیت های خشن خود چه خواهند کرد؟

یک موضوع را باید بگوییم که یک سلسله اصول در جمعیت بوده واست. این اصول در چند نکته می تواند خلاصه شود. ما با الهام از اسلام روش معتدل داشتیم. جداً مخالف افراط گرایی وتفریط منشی بودیم وهستیم، زیرا می دانیم که دین ما، دین وسط و اعتدال است، دلیل چه بود که باوجود مشروعیت قانونی حکومت مجاهدین، یک تعداد اشخاص استخدام شده الهام از بیرون علیه ما می جنگیدند. این ها به خاطری می جنگیدند که

به ارتباط قضایای فرهنگی می گویم که دیروز در بستر فرهنگی به کار خود آغاز کردیم، یک بار دیگر جمعیت به بستر قوی خود برگشته ومبارزات ما فعلاً فقط فرهنگی وسیاسی است، دیگر تمام نظامیان مربوط تنظیم ما به دولت واردوی ملی، و پلیس دولت انتقالی اسلامی ارتباط دارد.

مشی ما مشی افراط گرایی نیست. ما جداً با تحجر وافراط گرایی مخالف بودیم وبه همین اساس بود که علیه ما قرار گرفتند. به هرحال سوالاتی مطرح است که این مسلمان ها به ارتباط دموکراسی چه نظر دارند فکر می کنم کسی که در اسلام مطالعهٔ عمیق داشته باشد ودموکراسی را خوبتر بداند اصلاً هیچ سوالی در نزدش مطرح نمی باشد. یکی قالب بندی های دموکراسی است، یکی هدف ومحتوای آن. چه چیزها را دموکراسی می گویند؟ دموکراسی یعنی کثرت گرایی، دموکراسی یعنی انتخاب آزاد، دموکراسی یعنی برابری.

چرا مردم به دموکراسی روی می آورند. به خاطر یک چیز که آن محتوای دموکراسی و احترام به کرامت وآزادی انسان است. انسان خودش آزاد است، انسان را یک موجود باکرامت خداوند آفریده، سرنوشتش را خود آزادانه بر می گزینند، هیچ کس حق ندارد کسی را از آزادی محروم بسازد، زعامت سیاسی به ارادهٔ مردم به میان می آید هر انسان منحیث انسان، و خلیفه خدا در زمین باید اراده اش احترام شود این محتوا در بهترین شکل در اسلام آن قدر مورد احترام قرار گرفته که خداوند می گوید : "ولقد کرمنا بنی آدم" بنی آدم را موجود بسیار مکرم آفریدیم. خداوند(ج) به همهٔ کاینات حتی به فرشته ها امر می کند که به این موجود مکرم سر تعظیم فرود آورد. وانسان حق دارد بحیث یک موجود مکرم راجع به سرنوشت خود تصمیم بگیرد. این یک اصل مسلم دینی ماست. اسلام تاجایی به انسان آزادی داده است که می گوید: هیچ کس حق ندارد که در انتخاب دین کسی را مجبور بسازد.

به پیغمبر می گوید: افأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین.

آیا تو می خواهی جبراً مردم را مسلمان بسازی.

لا اکراه فی الدین قدتبین الرشد من الغی.

اکراه در دین نیست، حق و باطل روشن است هر کسی می تواند انتخاب خود را بکند.

آزادی یکی از اصول دموکراسی است. حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید: تو چه‌ی‌ر غلام می شوی در حالی که خداوند ترا آزاد آفریده است.

حضرت عمر می فرماید: از چه وقتی فکر غلام ساختن مردم را در ذهن تان گرفتید در حالی که خداوند آنان را آزاد آفریده است.

پس آزادی حق طبیعی و مشروع و حق اسلامی ما است.

پیغمبر اسلام برای این که نشان بدهد که میان سیاه پوست و سرخ پوست و سفید پوست هیچ تفاوتی نیست، امر می کند که بلال را بر فراز کعبه بالا کنید که اولین آذان را بدهد.

مسألهٔ مساوات ، آزادی، انتخابات در اسلام کاملاً روشن است.

حضرت ابوبکر صدیق و سعد بن عباده برای خلافت کاندید می شوند. یکی مربوط انصار است و دیگری مربوط به مهاجران هر یک در مورد کاندیداتوری خود صحبت می کند . حضرت ابوبکر وقتی انتخاب می شود می گوید من از طرف شما تعیین شده ام در حالی که از شما بهتر نیستم. تا وقتی که اطاعت خدا و پیغمبر را بکنم شما از من اطاعت کنید. اگر عصیان بکنم شما می توانید بر ضد من قیام کنید و مرا از کرسی بیندازید.

سیکولاریسم در جامعهٔ اروپا یکی از دست آوردهایی است که در اثر کشمکش های مردم در برابر دستگاه کلیسا و امپراتوری مستبد ظهور کرده است، به مردم حق نمی دادند که در مورد زعامت سیاسی تصمیم بگیرند. مردم راهی نیافتند بالاخره پس از مبارزات خونین گفتند که دین از سیاست جدا باشد. امادر نظام اسلامی هیچگاه دین از سیاست جدانیست و هیچ زعیم مسلمان حق الهی ندارد. هر حقی که است از مردم است.

ما تقریباً نیم قرن بحران را پشت سر گذاشته ایم مردم افغانستان رنج و عذاب را با تمام وجود خود لمس نموده اند.

مجاهدان عزیز ما در دوران جهاد افتخارات بزرگ و حماسه های بزرگی را آفریدند این حماسه ها را باید قبول کنیم. نا گفته نماند که ما هم اشتباهات زیادی داشتیم البته اشتباهات از کسانی بود که به نام مجاهد نا روایی هایی را مرتکب شدند. ما و مجاهدان هر گز از عناصر مفسد نباید دفاع بکنیم. اما نباید قضاوت دیگران غیر منصفانه باشد، باید عناصر تشخیص شود، دلیل محکومیت هم باید معلوم باشد و دلیل برائت هم باید روشن باشد. به این اساس ما با دلایل روشن قضایا را بررسی کنیم و در مورد قضاوت بکنیم.

ص.۵

وحشت ده سال

عزیز روزبه

برم پناه به این شامی که ام زگاه اگر مانده

بیا خطر کنم آخرباز، تورا اگر که خطر مانده

چقدر خسته ام ودلسرد، میان دشت کویر وکور

چقدر آخر از این راه دراز ودور سفر مانده

گناه لعنت شب گفتن، مرا بسیست بسی یاران

در این هوای غمین و دق مگر گناه دگر مانده؟

به آفتاب خورم سوگند که خون فتنه بسوزانم

میان خامه ام اگر رنگی به جای خون وشرر مانده

تفنگ لعنتی آخر نیز درون نفرت شعر من

شوی چو چوبک آتش کاو، به گوشهٔ پس درمانده

چقدر باید از این قابیل، گریز بایدم آخر گو

چقدر فاصله از این عشق، همیشه کرده حذر مانده

تمام وحشت این ده سال، گرفت شعر مرا از من

چنان که یوسف کنعانی، جدا ز پیش پدر مانده

حافظ و رمز ورازهای عارفانه اش

اسحاق فایز

در این حقیقت که حافظ یکی از عرفای بزرگ و نامدار تاریخ جهان اسلام است ، جای تردید و شک نیست . ما امروز با مروری کوتاه از دیوان حافظ، به رمز و راز های در ونی وی پی می بریم و از آن طریق اسراری برای ما مکشوف می گردد که بادانستن آن دل و جان ما در میان پرتوی از حقیقت و روشنایی موج می زند و زلال و تاز گی آن روان تشنه از حقیقت مارا سیراب می دارد .

بزرگی و جایگاه حافظ درمیان بزرگان و ادبای نامدار جهان ناگفته پیداست.

در این مقال مختصر در پی آنم تا با سیری معنوی در دیوان آن رند خراباتی که درونش از پرتو عشقی ملکوتی صیقل یافته است و بیرونش از باعث آن که در میخانه وحدت از جام الست می ناب سرکشیده ا ست، خوشه چینی کنیم ونیز از بادهٔ او که او سرکشیده سرمست گردیم که به قول خودش، بادهٔ ناب، اندیشهٔ خطا ببرد .

حافظ خود گوید :

شود مست وحدت زجام الست

هرآنکو چو حافظ می ناب خورد

و در جایی دیگر اشاره می کند :

طبیب عشق منم-باده خور ! که این معجون

فراغت آرد و اندیشهٔ خطا ببرد

در ادبیات کهن و معاصر مان بسیار اتفاق افتیده است که دل، آن خانهٔ اسرار آدمی را به آیینه یی تشبیه کرده اند ، تا آن جا که این تعبیر از میان عوام به اندرون فرهنگ خواص راه یافت وپای اندر بساط عرفا رسانید.

دل د رمیان عار فان و متصوفان، گنجینهٔ اسرار است که چون آیینه یی در آن می تواند، صفات خداوند ی تجلی کند.آن که را آیینهٔ دلش به زنکار نشست ،و صفای صیقل دل، به آلودگی گرایید، احساس باطنی و «دیدهٔ بصیرت» که دیدهٔ دلش نیز خوانند کور گرددو نتواند که انوار و تجلی خداوندی را رویت کند و نمایانگر شود .

در این غزل حافظ می توان این تعبیر را به بسیار خوبی دریافت(۱):

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا میکرد

گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است

طلب از گم شده گان لب دریا میکرد

الخ...

در کار زندگی تکیه به فردانکنید ، چه بسیار باشد که پس از امروز فردایی مارا نباشد و این نقد فرصت نیز از دست شود :

حافظا! تکیه بر ایام چو سهو است و خطا

من چرا عشرت امروز به فردا فگنم ؟

حافظ درد کش خراباتی به قضا و قدر ایمان دارد و در مقام اعتراض بر زاهدان عصرش عتاب می کند که:

برو ای زاهد و بر درد کشان خورده مگیر

کار فرمای قدر میکند این من چه کنم

وقتی خرمن آمالش میسوزد، آن را نیز از مکمن غیب می داند و می گوید :

برق غیرت که چنین می جهد از مکمن غیب

تو بفرما که من سوخته خرمن چه کنم

ولی با این همه همت و منشی دارد که به ویرانه های حیات دل خونش نکند و چندان به رحمت آفریدگارش ایمان دارد که بهشت را خانه یی میراث مانده از پدر می داند :

حا فظا! خلد برین خانهٔ موروث من است

اندر این منزل ویرانه نشیمن چه کنم

این امیال و امید در نزد حافظ چنان است که آن را از مقدرات ازلی می داند و می گوید :

دارم از لطف ازل جنت فردوس طمع

گرچه در بانی میخانه فراوان کردم

این بیت نیز بهره از همان اندیشه ء بالا دارد که حافظ به رحمت خداوندی امیدوار است هرچند میخانه نشین است . باور حافظ به این که صبوری و شکیبایی سرانجام اجری دارد (ان الله مع الصابرین) در این بیت به خوبی می توان در یافت :

این که پیرانه سرم صحبت یوسف بنواخت

اجر صبریست که در کلبهٔ احزان کردم

چنان که یعقوب پیمبر در فرقت فرزندش یوسف (ع) محزون گشت و در خانهٔ غم چندان شکیبایی پیشه کرد که در فرجام به مطلوب دست یافت و شمیم پیراهن یوسفش نوید دیدار داد و چشمانشن پرنور گشت .حافظ اهل ریا و خدعه نیست و زاهدان دروغین را که با این کار در دیدگان مردم خودرا چیز دیگر می نمایانند نگوهش می کند :

ریایی زاهد سالوس جان من فرسود

قدح بیار و بنه مرحمی براین دل ریش

ریا حلال شمارندو جام و باده حرام

زهی طریقت و مذهب زهی شریعت و کیش

امروزها چنان مد شده است که همه آنانیکه بر اریکه ها تکیه می زنند و به لب نانی می رسند و ثروت های شان فزونی می یابد ، بر فقراو درویشان با دیدهٔ حقارت می نگرند و ضعفارا پامال می کنند . حافظ به این قماش از آدمها هشدار می دهد :

نظر کردن به درویشان ، منافی بزرگی نیست

سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورش

در راه رسیدن به خدا و کسب رضای او، اتکا به دانش و تقوا ناشایسته است و در شمار کافری ،و آنکه راهرو طریقت است افزون بر اینها ، توکل نیز بایدش ، زیرا مطمئن انگاشتن این که با علم و تقوا تنها می توان به خدا رسید، نوعی مطلق گرایی است که به انسان کبر و خود برتر بینی می دهد :

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافریست

راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

و در این راه طلب است که حافظ . غبار راهش را کمیایی می داند که با آن می توان به پیروزی دست یافت :

غبار راه طلب کیمیای پیروزیست

غلام دولت آن خاک عنبرین مویم

درباب کسب حاصل از غنیمت عمر، حافظ فراوان گفته است و ما در پایان این مختصر دو بیت دیگر از حافظ می آوریم که تأکیدی بر آن گفته است و زیبا نیز است :

به مأ منی رو و فرصت شمر غنیمت وقت

که در کمینگه عمرند قاطعان طریق

جهان و کار جهان جمله هیچ در هیچ است

هزار بار من این نکته کرده ام تحقیق

و امید که ما قاطعان طریق نیز درپی کرداری نیک فرصت هارا غنیمت بدانیم .

طمع

ش-زیارمل

دنیائی یاران چی طمع د دنیـــا کا

عاقبت به یوه طمع ځان جـــداکا

دیدنی یاران په کار دی په دنیا کی

چی یاری د دیدن په تمنا کـــــا

که په خپله رضا درومی چاره نشته

که زما په رضا درومی خوله به راکا

په بار بار دهغه باد منت راباندی

چی پلو په مخ نیولی مخ ئی واکا

صدرحمت دعاشقانو په همـــــت

چی په طمع د دیدن دسر سـودا کا

به رقیب به ئی بی تیغه مرگ رواشی

لنډه کیسه

دځوانی ارمان

پامیر

نبی جان به چی دهر خپل خپلوان او ملگری دښادی مراسمو ته لاړ او په یوشمیر پسول شویو گلالیو نجونو به ئی سترگی ولگیدی، په زړه کی به ئی هوس پیدا شو، له ځان سره به ئی غوټه کړه چی حتماً به دخپل تره په لور بن راوړی او داسی ښځه به کوی چی هغه په اصطلاح دوخت بچی وی، نازنینه او ماجبینه وی، نازونه او کرشمی ولری، شوخی او مستی ولری او دگلالیو شونډو موسکائی په زړه کی لاره وکړی.

هوکی! نبی جان به تل دخپلو ملگرو او همزولو په کتارکی د یوی ښکلی ښځی ارمان کاوه، خپل دغه احساس به ئی دشعر په ژبه داسی بیا ناوه:

خلکو بنی ښځی زړی کړی - خپلی خواوی پری سړی کړی
دا زمونږ په برخه خری دی - دمرگی سختی ناری دی

دهغه په دغه راز کومیکو شعرونو به ملگرو خندل او هغه به ئی په دی برخه کی نورو توکو ټکالو ته هڅاوه. په دی وروستی ځل چی نبی جان د زیارت گل په واده کی دبلال کاکا په لور ځوارلس کلنی ماجبین سترگی لگیدلی وی، هغه ئی خپله ایډیالی معشوقه بللی وه نو خپله مهربانه مورئی دی ته راضی کړه چی دبلال کاکا کورته ورشی او هغه تری خپل ځلویښت کلن زوی ته وغواړی.

که څه هم چی نبی جان دماجبین دپلار پرځای و، خو مال جایداد ئی ډیرو نو ځکه خو بلال کاکا خپله تنکی لور نبی جان ته په بنه ورکړه او ډیر څه ئی تری واخیسته.

نبی جان به چی بیا دخپلو ملگرو په ډله کی کیښناست نو خوله به ئی له خندانه راټولیده دپخوا په څیر به ئی ټوکی ټکالی کولی او داشعر به ئی وایه:

ما پیدا کړه دلربا - زه مجنون هغه لیلا
ډیره گرانه ده په ما - زه به ئی ژر کړمه رضا

هغه ورځ هم راورسیده چی دنبی جان دهیلو غوټی ماجبین په ملاتړی، دتورتم ښکلی سپوږمی دبنی کورته راغله او دخپلی رضا خلاف د وصال په پالنگ پریوته خو نه ئی لور زوی پیدا شو او نه ئی دمینی تنده ماته شوه.

نبی جان چی لاله پخوا رنځور غاړی و په تیرو لسو کالو کی خپله ځوانی، قوت، صحت، او ورسره یوځای مال جایداد هم له لاسه ورکړل.

تنکی ماجبینه چی لاله لومړی سره په دغه راز سرنوشت خوښه نه وه اوس ډیره خواشینی ښکاریده، له یوی خوا له بنی سره په یو کور کی دمجبوریت شریك ژوند لانجی، دعوی، ټکوری او له بلی خوا دنبی جان ناروغی او بی وسی ډیره خپه کړی وه اخیر هغه ډیرو ځوانه وه، ډیره مسته وه، ډیره ښکلی وه، زړه ئی غوښتل چی ځوان میړه ئی درلودی، کورواکی ئی درلودی او له سیالانو سره سیاله وی خو دبده مرغه چی دغه ټولی هیلی ئی په اوبو لاهو شوی او له ټولونه خورونکی خبره داده چی خپلی بنی به ئی همیشه تهمتونه پری ویل، دهغی دبدنامولو هڅه به ئی کوله، دماجبین په برخه کی دغه راز توروونه دټولی کورنی او ان د هغی دمیړه نبی جان ذهنیت هم بدل کړ، ورځ په ورځ به دهغی په باب شك او بدگمانی زیاتیده او میړه به ئی تری فاصله نیوله ترڅو هغه ورځ راورسیده چی دنبی جان دایډیالونو دغه معشوقه دناروا توروونو قربانی او د تل له پاره له کوره ووتله نو بیا به چی بوډا او ناروغ نبی جان دخپلو پخوانو ملگرو په کتارکی کښیناست دخوشحال بابا دغه شعر به ئی په خواشینی سره زمزمه کاوه:

نه خوشحال وی نه ختك وی
نه خانی نه نوابی وی
چج په لاس تور مسئلی وی
خو ځوانی وی

ما با کاندیداتوری آقای کرزی به توافقات نهایی ...

در این دوران مشکل دیگری که کشور ما به آن روبه رو است مسایل بدامنی در کشور است. لهذا یکی از ضرورت های کنونی تلاش هماهنگ ما برای استحکام امنیت است. جمعیت اسلامی با تمام توان خود در جهت استحکام امنیت تلاش دارد و یکی از نیاز ها وضرورت های فعلی ما هم همین است. وقتی راجع به بازسازی فکر می کنیم باید فضای مطمئن را ایجاد بکنیم که بازسازی ممکن گردد. بازسازی صورت گرفته نمی تواند توسعه سیاسی و اقتصادی هرگز به میان آمده نمی تواند تا زمانی که امنیت مستقر نگردد کشورهای مختلف دنیا برای دفاع از امنیت خود به افغانستان آمدند. از این شرایط باید استفاده کنیم و بکوشیم که نهادهای اساسی دولتی، اردوی ملی، پلیس ملی ودیگر نهادهای حقوقی در کشورما قوی شود تاخود به پای خود ایستاده باشیم نشود که خدای ناخواسته یک باره سقوط کنیم واز بین برویم. از رابطهٔ جهان با افغانستان به نفع صلح وثبات وبه نفع مصالح ملی مان باید استفاده بکنیم.

اگر دنیا بخواهد یکی از شخصیت ها، یکی از احزاب یا یکی از اقوام رابر ملت حاکم بسازد این محال وخیال است. دنیا بگذارند که ملت ما خود زعامت سیاسی خود را انتخاب کنند

و دوامدار ترین دوستی ما با دنیا از همین طریق صورت می گیرد. همه کشورهایی که می خواهند با ما دوستی نمایند به ارادهٔ ملت ما باید احترام بگذارند .

نیاز وضرورت فعلی ما چه است؟

در شرایط فعلی نهضت های مجاهدین باید تحجر فکری را به خود راه ندهند. حضرت علی کرم الله وجهه می گوید فرزندان تان را مطابق عصر وزمان شان تربیه کنید. حضرت ابن عباس مفسر قرآن می گوید: قرآن را باتصورات باطل خود تفسیر نکنید بگذارید زمانه قرآن را تفسیر می کند. حقایق علمی قرآن را تفسیر می کند.

اگر دنیا بخواهد یکی از شخصیت ها، یکی از احزاب یا یکی از اقوام رابر ملت حاکم بسازد این محال وخیال است. دنیا بگذارند که ملت ما خود زعامت سیاسی خود را انتخاب کنند

ما در دوران جهاد مطبوعات مربوط به جمعیت را آزاد گذاشته بودیم. ماسفری داشتیم به امریکا و با ریگان دیدار کردیم. سفر خوب بود ولی غوغا برانگیز. با این سفر تهدیدهایی مختلف متوجه من شد وقضاوت های مختلفی انجام یافت در همان زمان می گفتم که ما یک انقلاب هستیم ویک پیام داریم با دستگاه های استخباراتی ارتباط نگیریم بلکه با زعمای سیاسی ارتباط بگیریم.

در آن وقت در «مجاهد» مقاله یی تند برضد این سفر نوشته شده بود ومثل دیگران از من انتقاد نموده بود.

کشمکش ها میان احزاب، اقوام، قشر های مختلف متخصص وغیر متخصص، میان مجاهد وغیرمجاهد، میان مهاجر وغیرمهاجر نباید وجود داشته باشد. همه دوستان ما که از مغرب زمین می آیند بیگانه از ما نیستند بسیاری از این ها در سنگرهای مختلف درکنار ما قرار داشتند، در سنگرهای جهادی، سیاسی و فرهنگی.

دوستانی که می آیند نباید احساس بیگانگی کنند. این به نفع هیچ کس نیست. این یک نوع بحران بی اعتمادی است که باید از بین برود. در دوران طالبان، حتی پیش از طالبان تلاش هایی بسیار ظالمانه وجود داشت تا بگویند که میان شمال وجنوب جنگ است. در حالی که هزاران مجاهد از جنوب در پهلوی برادران شان در شمال بودند.

بعد از این اجازه ندهیم که به نام پشتون وتاجک وهزاره وازبیک وبلوچ ونورستانی، عرب وپشه یی وسایر ملیت ها کشمکش درمیان باشد.

در آن وقت برخلاف دیگران ما می گفتیم که رابطهٔ ما باغرب رابطهٔ استراتژیک باشد وتا آخر از آن دفاع کردیم ومی گفتیم ما نباید نوکر باشیم اما میخواهیم دوست باشیم.

امریکا من حیث یک قدرت جهانی در پهلوی ما قرار دارد باید دوستانه دست دوستی بدهیم. تحت هیچ تبلیغاتی نباید پالیسی استراتژیک را نادیده بگیریم.

در شرایط بازسازی از هرکار ما دیگران می توانند انتقاد نمایند ما انتقاد هایی که از دولت می کنیم، انتقادهایی سازنده است. ما در نشست هایی که بارئیس ادارهٔ مؤقت داشتیم گفتیم که این بدین معنی نیست که ماحکومت را در طی دوسال تأیید کرده ایم واین ادامهٔ تأیید است. بلکه ما عملکرد دولت را بسیار نادرست وغلط خوانده ایم ومورد انتقاد ما بوده است. ترکیب کابینه به کلی مورد انتقاد ما بوده با این پالیسی وسیاست فعلی هرگز همکار نیستیم. ما یک سلسله اصول داریم برمبنای همین اصول آماده هستیم تفاهم بکنیم یک تغییر بنیادی واساسی در این جا باید به میان بیاید هیچ نوع انحصار طلبی را نباید اجازه بدهیم. هیچ نوع انحراف از خط اسلام از دستاورد جهاد ومقاومت وهیچ نوع حرکتی در جهت تغییر هویت ملی را اجازه نمی دهیم.

هدف از این مذاکرات چه بوده؟

ما به ارتباط این که در آیندهٔ کشور چه کاری باید بکنیم مذاکراتی را انجام دادیم. ارادهٔ ما بوده واست که باید اوضاعی در کشور به میان بیاید که بحران بی اعتمادی از بین برود، وحدت وهمبستگی ملی به میان بیاید، حکومت با قاعدهٔ فراگیر و وسیع ایجاد شود. شایسته سالاری وکفایت واهلیت مطرح باشد وقومیت ها مدنظر گرفته شوند، شخصیت های مؤثر مدنظر گرفته شوند.

کار را از همین جا باید آغاز کنیم وکاندیدای بعدی را به اساس همین اندیشه ها باید معرفی بداریم.

ما در دوران جهاد ومقاومت جبههٔ متحد داشتیم. در روزهای اول پیشنهاد ماهمین بود که از میان خود جبههٔ متحد یک کاندیدا معرفی بداریم.

ما می خواستیم از میان قشر جهادی عناصری که از جهاد واز آرمان شهدا دفاع کنند، حضور خود را داشته باشند.

ما می گفتیم که هیچ قومی محروم نباشد واجازه ندهیم که قدرت در انحصار فردی وشخصی قرار داشته باشد. ما می خواستیم تصمیم یک جایی بگیریم ما خواست های خود را به آقای کرزی سپردیم وگفتیم اگر شما به این خواست ها پاسخ بگویید وکسی دیگر از جانب ما کاندید نباشد، شما می توانید کاندید ما باشید مگر مطابق به این خواست ها این حرف ما وقتی می تواند نهایی باشد که دیگر دوستان، هم حاضر باشند ما در غیاب دیگران فیصله نمی کنیم. شخصیت های اقوام مختلف رهبران جهادیی که آنها نبودند، در یک جلسهٔ بزرگی حضور آنها ضروری است وقتی آنها همه قناعت کردند یکجا باهم کار می کنیم تا وحدت ملی، همبستگی ملی درکشور به میان بیاید.

شاید شنیده باشید که مثلاً فلانی رئیس شورا می شود. در حالی که این حق مردم است پارلمان ومردم راجع به زعامت سیاسی تصمیم خود را می گیرد به هرحال هدف اساسی ما این بوده که در قدم اول همبستگی جبههٔ متحد و در قدم بعدی همبستگی ملی را در سطح کل کشور ایجاد کنیم.

مسایلی زیاد مطرح بود از جمله مسألهٔ خلع سلاح که جداً طرفدار آن هستیم اما طرفداری ما به این معنا نیست که سرنوشت این مجاهدین که در سنگر سالها مبارزه کرده اند تعیین نشود.

هرکاری که می کنیم اثرات بعدی مثبت ومنفی آن را در جامعهٔ خود باید درک کنیم. در پیرامون مسایل زیادی در آنجا بحث صورت گرفت که تقریباً در بیش از ۲۵ ماده موضوع تعلیم وتربیه، مسایل فرهنگی، وحدت ملی، استحکام امنیت ومسایل زیادی گنجانیده شده بود که نمی خواهیم همهٔ آن را تشریح کنیم. هدف اساسی استحکام وحدت ملی، شایسته سالاری، از بین رفتن بحران بی اعتمادی، حضور همه اقوام وشخصیت ها در نظام سیاسی، جلوگیری از محروم ساختن مردم وحفظ هویت ملی وحماسه های تاریخی افغانستان، حفظ ارزش های اسلامی، حفظ دستاورد جهاد ومقاومت از جمله مسایل اساسی بود وبه مسایل متخصصین وکادرها واستخدام آنها هم تأکید شد.

بازسازی باید متوازن در همه مناطق صورت بگیرد از کمک های بین المللی باید حساب دهی درست داده شود. همه مسایل روشن باشد علمای دینی از حالت محرومیت وبیچارگی بر آیند مراکز دینی وجود داشته باشد علمای دینی ما درست تربیه شوند، در کشور ما دو مذهب مهم ۱۲ امامی وحنفی است.

مذهب ۱۲ امامیه در بخش فلسفی از اندیشه های معتزلی متأثر است ومذهب حنفی به نام مذهب عقلی و اهل رأی یاد می شود. امام اعظم طرفدار قیام های قهر آمیز نیست ومی گوید، اصلاحات به طور ریفورم باشد، می گوید از راه فعالیت های فرهنگی وسیاسی زعامت سیاسی را انتخاب کنید. مذهب حنفی طرفدار تشنج نیست. وقتی مدارس دینی را در کشور استحکام ببخشیم یقیناً مسألهٔ تروریزم وافراط گرایی از بین می رود، حرکت عقل گرایی درمیان علمای دینی ما قوت پیدا می کند.

مسألهٔ دیگری که در سطح بین المللی بسیار داغ بالای آن صحبت می شود، ارتباط تروریزم با اسلام است. اصلاً اسلام با تروریزم ارتباط ندارد سخت ترین ضربات متوجه مسلمانان ورهبران اسلامی توسط عناصر تروریست در طول تاریخ شده است. عناصر تروریست برحضرت ذکریا حمله کردند و او را شهید ساختند. برضد حضرت عیسی، برضد حضرت موسی علیه السلام دسیسهٔ قتل شده ونیز برضد پیغمبر صلی الله علیه وسلم چندین بار توطئه کردند.

اصلاً تروریزم نه دین دارد ونه ملیت و به هیچ دینی و ملتی مربوط نیست تمام حرکت های تروریستی تحت هرنام وعنوانی که صورت بگیرد محکوم است وبه اسلام ارتباط ندارد. عناصر آشوبگری هستند که به اسلام اعمال شان را منسوب می سازند. دنیا باید متوجه این حقیقت باشد که ملت ما جهاد ما ورستاخیز اسلامی ما اولین قربانی تروریسم بوده. استوار ترین مبارزه را ما کردیم ما به نام مسلمان ومجاهد در برابر این حرکت مبارزه کردیم.

ما به ارتباط این که در آیندهٔ کشور چه کاری باید بکنیم مذاکراتی را انجام دادیم. ارادهٔ ما بوده واست که باید اوضاعی در کشور به میان بیاید که بحران بی اعتمادی از بین برود، وحدت وهمبستگی ملی به میان بیاید، حکومتی با قاعدهٔ فراگیر و وسیع ایجاد شود. شایسته سالاری وکفایت واهلیت مطرح باشد وقومیت ها مدنظر گرفته شوند، شخصیت های مؤثر مدنظر گرفته شوند

در ارتباط حقوق زنان باید گفت که از لحاظ فلسفهٔ اسلامی مرد وزن از لحاظ حقوق و وجایب برابر است. زنان در اسلام هم حق فعالیت سیاسی واقتصادی وفرهنگی را دارند.

حضرت عایشه رضی الله عنها به حیث پیشوای فعالیت های سیاسی علیه خلیفهٔ چهارم مبارزه را به پیش می برد یعنی حق آزادی داشت. انتقاد می کرد ومبارزه می کرد.

به ارتباط مواد مخدر که یک آفت بزرگ است باید گفت که تولید وقاچاق هرنوع مواد مخدر چه هیروئین وچه مواد نشه آور دیگری که باعث بدبختی وفساد می شود نادرست است ومسؤولیت همه مسلمانان می دانیم که در برابر این بلا به قوت مبارزه کنند.

در مورد جوانان که گرانبهاترین سرمایهٔ هرملتی هستند باید سخت توجه کنیم که شکار فرهنگ های اخلاق ستیز، دین ستیز نگردند. از جوانان مواظبت نماییم. برای تربیهٔ فکری و معنوی آنها برنامه داشته باشیم تا از استقلال افغانستان از تاریخ کشور از هویت ملی افغانستان دفاع نمایند.

علم توسعهٔ سیاسی واقتصادی را باید به دست اینها بسپاریم تا در آینده در سیاست کشور سهم داشته باشند. از دولت انتقاد بکنند، از احزاب سیاسی انتقاد بکنند از زعمای سیاسی انتقاد بکنند این حق مسلم شان است که باید برای شان بدهیم. امیدوارم وحدت، یک پارچگی، اخوت وبرادری درمیان اقوام افغانستان، مذاهب واقشار افغانستان درمیان مجاهد وغیر مجاهد و در میان ملا وروشنفکر، درمیان عوام وهمه حاکم باشد.

جمعیت اسلامی افغانستان آنچه را به نفع کشور خود می داند از آن به قوت دفاع می نماید. از هر اقدامی که در جهت توسعهٔ فکری، فرهنگی، سیاسی واقتصادی کشور بوده باشد دفاع می کند. از پلورالیسم وکثرت گرایی سیاسی دفاع می کنیم. نباید هیچ کس را به عنوان این که مربوط به این قوم وآن گروه است برای همیش در رأس دولت داشته باشیم.

ما طرفدار این هستیم که همه نیروهای اسلامی، عناصر ملی دست به دست هم بدهیم. بیایید یکبار امتحان بکنیم دلهای خود را، آرمان های خود را، برنامه های خود را یکی کنیم. نقطه های افتراقی را کنار بگذاریم.

در اخیر یکبار دیگر به روح سرور وسالار شهدا، قهرمان ملی وسایر شهدای عزیز کشور درود می فرستم.

انجنیر شهید نه تنها افتخارات وحماسه هایی بزرگ آفرید عظمت وحماسهٔ کشور را به خون سرخ خود ویارانش رقم زد بلکه در بخش سیاسی رشد نهضت اسلامی، حرکت جهادی کارنامه های عظیم به جا گذاشت.

اولین کاری که به ارتباط شورای نظار جمعیت اسلامی کرد پیام همبستگی را عملاً در میان مجاهدین پیاده کرد. چنین ابتکار را در غرب امیر اسماعیل خان و در مناطق مرکزی تعداد دیگری از قوماندانان ما در جهت وحدت وهمبستگی به پیش می بردند. وقتی از یک شهید نام می بریم هزار شهید دیگری به یاد می آید. طارق شهید، صفی الله شهید، علاء الدین شهید، قاضی اسلام الدین شهید و ذبیح الله شهید، مراد شهید وشهدایی که در زندان های جهنمی نظام های کودتایی شهید شدند، استاد نیازی، انجنیر حبیب الرحمن، مولوی حبیب الرحمن، داکتر عمر، شهید حقبین صاحب به روح عبدالقدیر شهید، عبدالحق شهید ومزاری مرحوم وبه روح شهدای بزرگ کشورما اتحاف دعا می کنیم.

امیدوارم در افغانستان سربلند، افغانستان متحد افغانستان با ثبات دست به دست همدیگر بدهیم.

واقول قولی هذا استغفر الله لی ولکم ولسائر المسلمین

ضرورت سازماندهی مجدد و ...

به قهرمانی های مجاهدان ارج می گذارد. ما زنان در میثاقی که با نهضت اسلامی کشور داشتیم، در راه تحقق آرمانهای دینی و میهنی، روانهٔ زندانها شدیم اما آنچه امروز بحیث یک پرسش در ذهن مردم نقش بسته است این است که چرا مجاهدان با همه حماسه آفرینی های شان، توسط مشتی از عناصر نا آگاه که در دورهٔ رنج این ملت هیچ گونه حضوری نداشتند آماج تاخت و تاز قرار می گیرند. حتی از طریق رسانه های دولتی، مجاهدان به نام جنگ سالار و تفنگ سالار قلمداد می شوند.

خانم حبیبه موارد دیگری را نیز یاد آور شد و گفت:

"ما زنان آنچه را که امروز دولت به نام حقوق زن از طریق رسانه ها و تلویزیون به نمایش می گذارد مطلوب نمی دانیم و به این باورهستیم که حقوق زن را نمی توان با نشر موسیقی مبتذل توسط

بیشتر نقش دارند. هر قدر دین، مذهب و مکتب ضعیف باشد ولی اگر سخنگویان آن قوی باشند پیروز است بر عکس دین، مذهب و مکتب قوی با سخنگویانی ضعیف، ضعیف می شود. در افغانستان همیشه کارهای فرهنگی به صورت درست انجام نپذیرفته است و سخنگویان دینی ما ضعیف بوده اند، همین سبب بود که یک عده از جوانان ما دین گریز شدند در حالی که قبل از آن، دین شان را بیشتر از جان دوست داشتند.

روشنفکران و دانشمندان ما در مبارزه با اجانب باید به بنیاد و اصول فرهنگی خویش بر گردند.

محمد نسیم فقیری به نمایندگی از کمیسیون برگزاری این محفل، صحبت نمود و گفت:

آقای فقیری همچنان به چند موضوع دیگر را خاطر نشان ساخت و گفت:

"بعضی ها به این فکر هستند که آزادی و دموکراسی یکی از دستاوردهای حادثهٔ تروریستی یازدهم سپتامبر، ویا از برکت حضور قوای خارجی می باشد که در این مورد کافی است تا مطبوعات دوران جهاد را مرور کنیم که چه دموکراسیی در میان مجاهدان بوده است. کارمندان جراید مجاهدین که معاش تنظیم را می گرفتند در برخی از موارد نظر شان مخالف تنظیم بوده است. آزادی بیان و تحمل دگر اندیشی جزء تربیت جهاد و مجاهدان می باشد. جهاد و مقاومت در مقابل استبداد، الحاد و انحصار طلبی و حکزمت های ظالم و خود

و تربیه در بارهٔ نقش جوانان درجمعیت اسلامی افغانستان گفت:
"نقش جوانان دانشگاهی را می توانیم در آغاز انقلاب اسلامی و در دوران مقاومت علیه سفید پوشان سیه دل ارزیابی نماییم. و همچنان نقش آنان را می توان در عرصهٔ بازسازی و نوسازی، توسعهٔ دموکراسی و تأمین حقوق بشر و حقوق زن مطالعه کرد.

جای تأسف خواهد بود که جوانان مسلمان درجاده های سرگردانی راه می روند. امروز در دانشگاه های افغانستان، جوانانی که می خواهند از حق شان دفاع کنند به عنوان افراط گرا و وابسته به احزاب سیاسی تهمت زده شده و از دانشگاه ها اخراج می شوند که توجه رهبران جهادی در قسمت جلوگیری این خود سری ضروری پنداشته می شود. کم

مرور بیا په خلا کړو او قدر ئي وکړو اوس ددي وخت رارسيدلي دي چي دا ملت نور د تورو شپو نه د تل لپاره رڼا ته را وباسو.

په دي وطن کي تل غريبو او بي وزلو کسانو قرباني ورکړي او د مالدار او خان زوي په غربي هيوادونو کي د خوښي ورځي تير کړي دي. آن تر دي چي د کرسمس ورځي هم لمانځلي او تردي دمه د عيسويت په مذهب ټينګه ولاړ دي.

د شرعياتو پوهنځي چه د جهاد مرکزي ځاي دي اوس تري کندواله جوړه شوي چي بايد له سره بيا ورغول شي.

آقای سید حبیب شاه حامد سخنران دیگر محفل بود، او در بارهٔ اوضاع جاری کشور گفت: "خوف داریم که نشود ما نتیجهٔ دو جنگ بزرگ و پر افتخار ملی خود را در پای یک صلح معلق از دست بدهیم.

هر ملت دو نوع پیروزی و یک نوع شکست دارد، ملتی اگر جنگ خود را در جنگ ببرد به شرط آن که از نتیجهٔ جنگ حراست کرده بتواند پیروز است و ملتی اگر جنگ را د رجنگ ببازد باز هم پیروز است. چون تاریخ، شکست ملت های مقاوم و سلحشور را شکست تلقی نمی کند اما ملتی اگر جنگش را در صلح ببازد دوچند شکست خورده وقطعاً ناکام خواهد بود. تاریخ برای ابد روی چنین ملت و افرادی را سیاه خواهد کرد.


خانم حبیبه


مولوی احسان الله امین


میر آقا حقجو


محمد نسیم فقیری


سید حبیب شاه حامد

زنان که دور از فرهنگ و اقعی این ملت است تأمین نمود.

آنچه امروز از همه بیشتر نظر ها را به خود جلب کرده است، زیر سوال قرار گرفتن هویت ملی و تمامیت ارضی ماست. فحشا و فساد هویت اسلامی ما را خدشه دار نموده است. اگر دست اندرکاران دولت از ادامهٔ چنین وضعی جلوگیری نکنند افغانستان یک بار دیگر ویران خواهد شد".

سپس مولوی اسرار الله صمیم در رابطه به فضلیت جهاد و علم صحبت نمود و گفت:

"داسلام مقدس دین له هر څه نه د مخه دعلم او پوهي په هکله توصيه او لارښووني کړي له جهاد او د لمانځه او له هر عبادت څخه د مخه يي پر علم او پوهي ټينګار او لارښوونه کړي ده.

دي د خپلو خبرو په دوام د جهاد د ارزښتونو د ساتلو په باب خبري وکړي او زمونږ د اولس د جهاد او پاڅون د دښمنانو ناوړه تبليغات او پروپاګندي ئي له انصاف څخه لري وبللي او ويي ويل چه: "د مجاهدينو او مسلمان ملت د قربانيو او اتلواليو نتيجه ده چي اوس مونږ ديو آزاد او سر لوړي قوم په توګه ژوند کوو.

بعد از وی نوبت سخن به میرآقا حقجو رسید و گفت:

"در قرن بیستم اکثر جوانان، در موجی از احساسات، صید کمونیزم می شدند، اگر امروز هم توجه جدی نشود جوانان ما به دامان غرب وشعار های فریبندهٔ آن خواهند افتاد اسلامی ما می باشد.

در مسایل فرهنگی سخن پردازان


حیات الله


جنید الله

هدف این مجلس این است که بازسازی جمعیت اسلامی افغانستان را از سر بگیریم و به جوانان مجاهد خود اطمینان دهیم که به این هدف بلند خود نظر به تقاضای زمان گامی عملی بر خواهیم داشت.

سالهای جهاد از سالهای پر افتخار با عظمت این سرزمین است. جمعیت اسلامی افغانستان با وجودی که سنگرهای جهاد را گرم نگهداشت از امور دیگر نیز با خبر بود و خدماتی را در همه امور انجام داد.

جمعیت اسلامی افغانستان هیچ گاه انحصارگر نبوده است. در دوران جهاد و محیط مهاجرت هیچ کسی چه افراد نظامی ویا استادان پوهنتون را وادار به گرفتن کارت خویش ننموده است وهمیشه به شخصیت های افغانی که راهی دیار مهاجرت شده اند ارج گذاشته و با کمترین امکانات، مشکلات آنها را مرفوع ساخته است. رهبری جمعیت اسلامی افغانستان همیشه به آنها به نظر کارشناس و کسی که برای ساختن آیندهٔ کشور مهم پنداشته می شودمی نگریست.

کامهٔ یک حزبی، خود گواه آزادگی می باشد. بنابر این ناممکن است که یک مجاهد شخصیت آزاد نباشد.

ما همیشه راه اعتدال را در پیش گرفته ایم و با هر نوع افراط گرایی مبارزه کرده ایم. همین امر باعث شد که به نام جمعیت اسلامی افغانستان کدام تنظیم دیگری ساخته نشود و هر کسی که تنظیم جمعیت را ترک کرده، خاطرهٔ خوشی از آن داشته است.

بناً جمعیت اسلامی افغانستان می خواهد که یک آیندهٔ بدون کشمکش را با سایر احزاب سیاسی بسازد.

و تحولی که در کشور به وجود می آید با اتفاق هم به صورت مسالمت آمیز حل شود و تاجایی که به اهداف، اصول و مرام ما و جهاد مقدس تجاوز و توهین صورت نگیرد هر گز شیوهٔ ما تغیر نکرده و همه مردم را باهم برادر میدانیم. دروازهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در پرتو اصولی که دارد و در مرامنامهٔ این حزب انعکاس یافته است. به روی همهٔ مردم افغانستان باز است.

جنبید الله محصل دانشگاه تعلیم

توجهی رهبران جهادی در برابر نسل جهاد، هویت جهاد را تهدید می کند. دفاع از حقوق جوانان مسلمان، پیش زمینهٔ اقتدار ملی و هموار کنندهٔ راه توسعه و ترقی و تعالی است.

همچنان در این گردهمایی حیات الله محصل دانشگاه کابل صحبت نمود و گفت:

کله چي جګړه پيل شوه ددي خاوري بچيانو په خپلو ګاونډيو هيوادونو کي د مهاجرت او بي کوري ژوند تيراوه بيا هم ددي خاوري بچيانو خپل احساس له لاسه ورنکړ او د خپل ايماني او جيبو د ادا کولو لپاره يي ملا وتړله او جهاد ته يي دوام ورکړ.

کله چي زمونږ مشران د کاميابي تر پولي راورسيدل، متاسفانه بيا هم دي خوريدلي ملت خلک ددوي د کړو له امله مرور شول.

اوس څنګه مونږ کولي شو چه دا

سالهای جهاد از سالهای پر افتخار و با عظمت این سرزمین است. جمعیت اسلامی افغانستان با وجودی که سنگرهای جهاد را گرم نگهداشت از امور دیگر نیز با خبر بود و خدماتی را در همه امور انجام داد

ما اگر جنگ را می باختیم وقار، عزت و ماهیت خود را نمی باختیم ما اگر جنگ را می باختیم اهداف، مقاصد و انگیزهٔ خود را نمی باختیم با ز هم اگر ما جنگ را می باختیم تاریخ را نمی باختیم اما اگر ما صلح را ببازیم ما دیگر آن مجاهدان سلحشور و آن رزمندگان بلند همت تاریخ معاصر نخواهیم بود ما هویت خود را، عزت خود را گذاشته و آیندهٔ خود را خواهیم باخت. فقط یک راه داریم و آن اتحاد، یک دستگی و یک پارچگی و از یک دست حرف زدن است، از یک محور شعار بدهیم، از یک راه برویم، در کنار هم باشیم چون بدون هم نیستیم.

اسلام د رعمق جامعهٔ ما جاه دارد هیچ کسی نمی تواند اسلام را از بستر تحولات اجتماعی و اقتصادی افغانستان به حاشیه ببرد — مردم افغانستان برای اسلام قربانی دادند و برای اسلام قربانی خواهند داد کمونیسم بختش را آزمایش کرد تروریزم بختش را آزمایش کرد امیدوار هستیم که سکولریزم بختش را آزمایش نکند.

هر که نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار

و در قسمت پایان مجلس استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت افغانستان بیانیهٔ پرشور ایراد فرمود که متن کامل آن در همین شماره نشر شده است.

در لابلای مجلس سرود هایی در ستایش جهاد و مزایای آن توسط کودکان کودکستان مکرویان اول سروده شد و محفل خاتمه یافت.

حماسهٔ خونین هشت جوزا

روز فراموش ناشدنی

اعزامی

۲۵ سال قبل از امروز به تاریخ ۸جوزای ۱۳۵۸ به تعداد ۱۶۲ نفر از بهترین فرزندان میهن اسلامی مان که غالباً به جرم مخالفت با رژیم دیکتاتوری داوود خان گرفتار و در زندان مخوف پلچرخی به سر می بردند، توسط رژیم سفاک وملحد تره کی به طور دسته جمعی وبا بی رحمانه ترین صورتی به شهادت رسیدند. واقعاً که روز ۸ جوزای ۱۳۵۸ به مثابهٔ نقطه یی عطف در تاریخ مبارزات سیاسی مردم مسلمان افغانستان به شمار می رود. در این روز صنادید و اعوان رژیم کمونیستی(تره کی- امین) که در اطراف واکناف کشور، خواب نابودی رژیم پوشالی خود را دیده بودند، تصمیم گرفتند که رهبران و پیشتازان نهضت اسلامی را که از دوران دیکتاتوری ولی نعمت شان(داوود) در سلول های زندان ها، برای آنها به میراث مانده بود، به رسم انتقام کشی از مجاهدت های پیروزمندانهٔ مجاهدین در جبهات، به شهادت برسانند.

در نیمه های شب ۸ جوزای سال ۱۳۵۸ هنگامی که گروپ ۱۱۲ نفری جوانان مسلمان که رژیم کمونیست بنا بر خصایص الحادی و ددمنشی اش هیچ گاهی آنان را مورد بخشایش قرار نمی داد، معهذا آنها از قبل، برای فرا رسیدن چنین روزی آمادگی داشتند ومنتظر چنین فراخوانی، جهت سوق شدن به میدان شهادت بودند. پس از آن که اولین گروپ این برادران، به نام تحقیق به دفتر قوماندانی فرا خوانده شد، عوامل رژیم در صدد بستن چشم ودست پای آنها گردیدند. وهمزمان با این، بنا بر قوماندهٔ شهید عبدالهادی پدر معرکهٔ ۸ جوزا اعضای گروپ، فداکارانه به سوی تفنگداران رژیم یورش برده و با به دست آوردن چندین قبضه اسلحه از عساکر مسلح رژیم، نبرد ومقاومت را عملاً در برابر قوای مستقر در زندان آغاز کردند. با شنیدن صدای رگبار طرفین، گروپ های فراخوانده شدهٔ دیگر، باعجله به صف همرزمان شان پیوستند و از نیمهٔ شب ۸جوزا تاحوالی صبح روز ۹ جوزا جنگ سختی بین دو طرف در داخل محوطهٔ زندان در گرفت که صدای شلیک گلوله های اسلحهٔ خفیف وثقیل طرفین تا ده کیلو متری زندان پلچرخی به خوبی شنیده می شد. جنگی که یک طرف آن عساکر وقطعات زرهی مجهز رژیم ملحد وطرف دیگر آن چند نفر زندانی دست وپا بستهٔ مظلوم، بی دفاع ولی مجهز به حربهٔ ایمان وتقوا. در این جنگ نابرابر یک تعداد از نفرات قوای مسلح رژیم در داخل زندان کشته شدند وبا مشاهدهٔ این حالت، زمامداران زبون وسفاک با دست پاچگی عجیبی از قطعات مستقر در جوار زندان چون قوای ۴ و۱۵ زرهدار خواهان کمک گردیده و در جریان این جنگ پنج ساعته، تمامی پیشتازان زندانی نهضت اسلامی را باوحشیانه ترین شیوه به شهادت رساندند. افسوس که نه آن زمان ونه بعدها هیچ سازمان مدافع حقوق بشر از آن جنایت مرگ بار وضد بشری حرفی به زبان نیاورد.

شاید داستان هایی زیاد از پیکار و مقاومت مجاهدین را در طول سال های جهاد، به چشم سر دیده ویا هم شنیده باشیم، ولی حماسهٔ قیام ومقاومت زندانیان نهضت اسلامی در پلچرخی، با دست های خالی وچشمان بسته در داخل محوطهٔ زندان، جایگاه خاص خود را دارد و خاطرهٔ آن قیام شگفت آور ومعجزه آسا را در سایر قیام ها کمتر احساس می کنیم. بزرگترین وبه یادماندنی ترین خاطرهٔ حماسهٔ خونین ۸ جوزا این است که آن عزیزان فیصله کردند که در آخرین دقایق زندگی، چنان شهکاری کنند وحماسه بیافرینند که آن تا ابد چون مشعلی فروزان برتارک اعصار وقرون بدرخشد ونعره های تکبیر عزیزان، نسل اندر نسل در گوش مدعیان جهاد ومبارزه طنین انداز باشد. وبه تأسی از آن درس مقاومت وپایداری بیاموزند وبا پشت پا زدن به زرق وبرق دنیا، راه ورسم آنها را تعقیب نموده وآرمان مقدس شان را در صحنهٔ عمل تحقق ببخشند.

یک هفته پس از شهادت آن عزیزان، نوبت به ۴۵نفر باقی ماندهٔ زندانیان نهضت رسید، این بار که قوای رژیم ضرب شجاعت ومقاومت هفتهٔ قبل زندانیان مسلمان را تجربه کرده بود. با اتخاذ تدابیر شدید امنیتی وایجاد دهلیز عبور که از دو طرف توسط عساکر تا به دندان مسلح احاطه شده بود، حرکت زندانیان از باشگاه تادفتر قوماندانی زندان را به شدت مراقبت می کردند. در این روز باز هم حماسه آفرینان مسلمان، حماسهٔ تاریخی دیگر آفریدند، به این شرح که از جمع آن برادران شهید، شاه جوانی به نام سید اکبر با پنهان کردن کاردی آبدار در داخل جرابش، حین عبور از برابر قوماندان ستمگر وبداخلاق زندان پلچرخی(عبدالله بی خدا) کارد مذکور را برون آورده وبا مهارت خاصی با وارد آوردن چندین ضربهٔ کاری بر سر و صورت وشکم کثیف عبدالله بی خدا، او را نقش زمین کرد وانتقام هفتهٔ قبل همرزمان شهیدش را از آن جانی خطرناک گرفت وخودش نیز در همان لحظه آماج گلوله های تفنگ به دستان حاضر در صحنه قرار گرفت و در همان جا جام شیرین شهادت را سرکشید وباقی یاران آن شهید اکبر یا در داخل زندان به شهادت رسانیده شدند ویا به پلیگون پلچرخی برده شده وبا پاها ودست ها وچشم های بسته، زنده زنده درجا های از قبل حفر شده، زیر خاک شدند که آثار اجساد مبارک آن شهدای عزیز وهزاران تن دیگر در روزگار پس از سرنگونی رژیم کمونیست از میدان های پلیگون به طور دسته جمعی کشف گردید.

باگرامی داشت از بیست وپنجمین سالروز شهادت حماسه آفرینان ۸ جوزا، به کلیه داعیه داران جهاد ومقاومت یاد دهانی می کنیم که غفلت کاری های ایام ودلبستگی به زخارف دنیا، یاد آن عزیزان وحماسهٔ سترگ شان را از یاد نبرده وبستر مساعد شدهٔ سرخ وسبز امروز را نتیجهٔ فداکاری ها وقربانی های آنها بدانند.

هیأت بزرگان بدخشان در انتظار ...

شهر مرکز ولایت بدخشان که آقای شاکر کارگر وزیر برق برای این منظور امر اعطای یک پایه جنریتور دیزلی به ظرفیت ۵۰۰ کیلوات را برایشان داد.

۳- جلب توجه دولت به امر جاده های بدخشان که هر ساله این جاده های ویران و



خام بدخشان ده ها قربانی از اهالی آن می گیرد.

در همهٔ این زمینه ها رئیس دولت وعدهٔ همکاری داده و در برخی از این موارد هدایات جدی به وزارتخانه های مربوط صادر،کرد.

هیأت بزرگان بدخشان منتظر عملی شدن این وعده ها هستند، آنان نگرانند که نشود این وعده ها و هدایات به سان وعده ها و هدایات سالیان پیشین بر روی صفحات کاغذ بماند و راه به واقعیت نبرد. یکی از اعضای هیأت گفت: ما واقعاً بیم داریم که وعده ها عملی نشود چون من در سال ۱۳۸۱ در ضمن یک هیأت دیگر آمده بودم که در عرصه های مختلف نیازهای ولایت بدخشان جناب رئیس دولت امر اجرای چهارده پیشنهاد ما را به گونهٔ عاجل صادر کردند ولی تا امروز آن اوامر عملی نشده است.

اما سید محمد امین طارق والی پیشین بدخشان و رئیس این هیأت اظهار خوشبینی کرد و گفت: امیدواریم وعده ها تحقق پذیرد.

مسند سالاران و هراس ...

حقیقت همین است. زیرا ملت خود مجاهد است و به کارنامه ها و قربانی های خود افتخار می کند و مجاهدین را سمبول این افتخار می داند. ملت هرگز خون های پاک یک و نیم میلیون شهید این جهاد مقدس را به پای کسانی نخواهد ریخت که در بد ترین شرایط به این ملت پشت کردند.

اگر آقای کرزی می دانست که مجاهدین دیگر پایگاهی در میان مردم ندارند و اکنون این پایگاه را به نفع دشمنان جهاد و مجاهدین از دست داده اند، هرگز با مجاهدین حاضر به مذاکره نمی شد. او می داند که ملت با کیست و ناچار است تا به قول شما تن به «مصلحت» بدهد. عجیب این است که این تیکه داران دموکراسی، تفاهم با مجاهدین را عملی خلاف مصالح ملی و دموکراسی دانسته و آقای کرزی را به خاطر عقب نشینی از موضع حکومت ریاستی مورد انتقاد قرار می دهند. آیا مفهوم دموکراسی در قاموس این آقایان انحصار قدرت و سرکوب مخالفین است؟

این آقایان در طول بیش از دونیم سال گذشته تبلیغات ناروای خود برعلیه مجاهدین را خود باور کرده اند و اگر کمی با انصاف به کارنامه های خود شان در این مدت نظر اندازند، مشخص خواهد شد که دست آوردی نداشته اند. نه در میان ملت از پایگاهی برخوردار شدند و نه مجاهدین را محروم از پایگاه مردمی ساختند. آنها همچنان رانده شده از درگاه ملت باقی ماندند.

اکنون نیز این درد ملت نیست که آقایان را به یاوه گویی واداشته است بلکه نگرانی از این است که شاید در آینده این جماعت موقف خود را به نفع مجاهدین در ساختار قدرت دولتی از دست بدهند و به همین علت نیز مصلحت اندیشی های کرزی را به باد انتقاد گرفته اند. حتی تصور این امر شاید مشکل باشد که انسان پس از مدتی وزارت و معینیت ناچار شود به سر کار سابق خود برگردد. آیا اینطور نیست؟

دجهاد او مقاومت د ارزښتونو ...

نو ځکه دجمعیت اسلامی مشر دتصمیم نیولو په دغه راز غونډوکی دټولو اړخونو، ګوندونو، سیاسی شخصیتونو او دملګرو ملتو رول ته په ارزښت قایل دی او دغه راز غونډی دملی مسئلو دحل او یو ګډ تفاهم ته درسیدو مهمه لار بولی او تل ئی په دی لاره کی خپل مثبت دریځ او دخیر غوښتنی سوله ییز نظر څرګند کړی دی.

همدارنګه مونږ داستاد برهان الدین ربانی دغه نظر هم دستاینی وړبولو چی هغوی تل دجهاد او مقاومت د ارزښتونو دفاع کړی او د همدغه راز ارزښتونو او ښیګڼو په رڼا کی ئی تفاهم ته د رسیدلو هڅه کړی ده. زمونږ خلکو د همدغه راز اسلامی ارزښتونو د تر لاسه کولو په خاطر د دوو ملیونو مسلمانو او جهادی سپاهیانو ککړی دخدای د رضا په خاطر د اسلام او ازادی په لاره کی قربانی کړی، اوس دا زمونږ د جهادی شخصیتونو او مشرانو اسلامی او هیوادنی دنده ده چی په دغه راز قربانیو معامله ګری ونه کړی او ددغو شهیدانو پاکو وینوته د درناوی په خاطر اسلامی او جهادی ارزښتونو ته د درناوی سر ټیټ شی او دهغی موخی له پاره چی، دغه راز بیدریغه قربانی ورکړی شوی دی باید تحقق ومومی.

په نوموړی مرکه کی ددغه راز خبرو د دوام وړ ورکړی شوی او په دی ترڅ کی چی د ټولو اړخونو دګډون او برخی اخیستی هیله په کی شوی د جمعیت اسلامی مشر داهم ویلی دی چی مونږ یولړ پیشنهادونه لرو او که څوک حاضر شی چی زمونږ دغه معقول وړاندیزونه ومنی، په هغه صورت کی مونږ طبعاً دهغو ملاتړ کوو.

زمونږ هیله داده چی دتصمیم نیولو او ګډ تفاهم درسیدلو په دغه راز خبرو کی ټول افغانان چی په ربښتینی توګه دسولی او ثبات له دریځ څخه برخمن وی باید برخه واخلی او په ګډه ددغه وران ویجاړ هیواد په بیارغاونه اونظام جوړونه کی خپل تاریخی رسالت سرته ورسوی.

په ننګرهار کی ...

، نازیان، خوګیانیو، چپرهار، هسکی مینی، روداتو او دکوټ د ولسوالیو اوسیدونکی دی. د دغو سیمو خلك د مزدوری په مقصد له هیوادنه بهرګاوندیو هیوادو پاکستان او ایران ته دکډی کولو په حال کی دی.

د یادونی وړ ده دننګرهار ولایت دنفوسو ډیره برخه هم دهمدغو غرنیو ولسوالیو اوسیدونکی دی نوکیدای شی همدغه عوامل په سیمه کی دانتخاباتو دپروسی په وړاندی خنډونه هم پیدا کړی.

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ نهم چهارشنبه ۱۳ جوزا ۱۳۸۳ ۱۳ ربیع الاخر ۱۴۲۵ - 2 June 2004

هیأت بزرگان بدخشان در انتظار بر آورده شدن وعده های دولت هستند

چند هفته است که شماری از بزرگان ولایت بدخشان جهت مطرح کردن برخی از مشکلات آن ولایت با مقامات بلند پایهٔ دولت انتقالی اسلامی افغانستان به کابل آمده اند.

ایشان در این مدت، دیدار هایی با مقامات ارشد دولت به شمول آقای کرزی رئیس دولت و چند تن از سفیران کشور های دوست در کابل داشتند. آنان مشکلات و نیازمندیهای آن ولایت را در عرصه های گونه گون در این دیدار ها مطرح کردند و از سوی مقامات دولت به ویژه از سوی آقای کرزی رئیس دولت جهت رفع برخی از آنها وعده هایی جدی سپرده شد. سه مطلب از خواسته های مهم ایشان بازگویی گردید:

۱-استمرار فعالیت فاکولتهٔ طب بدخشان که در زمان حاکمیت طالبان وقتی همه دروازه های مؤسسات تعلیمی و تحصیلی در بیشترین نقاط کشور بسته شده بود، این فاکولته به فرمان رئیس وقت دولت اسلامی افغانستان محترم استاد ربانی به فعالیت آغاز کرد. امسال جناب فایض وزیر تحصیلات عالی امر الغای آن را که این مسأله موجب ناراحتی محصلان دانشکدهٔ طب بدخشان و اهالی ولایت را فراهم آورده است.

۲- عدم موجودیت انرژی برق کافی برای شهروندان ص۷

انجوها باید تمام مصارف خود را ...

"برای من جای مسرت است که دیگر مأموران ما با شکم گرسنه کار نمی کنند . خرج دسترخوانی که به من تعلق می گرفت مال بیت المال می باشد که اکنون به مصرف نان چاشت پرسونل این وزارت خانه می رسد"





وی درمورد پالیسی های کاری خود گفت :تمام سخنرانی ها ، برنامه ها واظهارات من برای اصلاح امور وخدمت برای مردم این سرزمین است. وی خاطر نشان ساخت که ثریا بارکزی وآقای ملیار هردو به حیث معینان وزارت پلان تعیین گردیده اند . واین گونه اصلاحات در تمام سطوح وزارت پلان رونما خواهد شد. در اصلاحات ما مسأ لهٔ قوم ، زبان ومذهب وجود ندارد بلکه تخصص وشایستگی وگذشتهٔ نیکو مد نظرگرفته می شود.

آقای بشردوست درقسمتی از این کنفرانس خبری یک بار دیگر انجوها را مورد انتقاد قرار داده گفت :

وظیفهٔ انجوها کمک به مردم افغانستان است نه ساختار زیربنایی کشور. ونه این امر مسؤولیت آنها می باشد. انجوها باید تمام مصارف خود را گزارش دهند ،تاموثریت وظرفیت کاری ایشان محاسبه گردد. همچنان موترهای انجوها که باپلیت های رنگارنگ دیده می شوند وحتا تلاشی نمی شوند باید پلیت آنها رنگ سبزونوشتهٔ دری ویا پشتو داشته باشند.

آقای بشردوست اعلام کرد که طرح اصلاحی کابینهٔ دولت تکمیل شده است وروی آن بحث صورت می گیرد.

آقای بشردوست وانمود کرد که اودرامور کاری خود حمایت صد در صد آقای کرزی را با خود دارد، وی علاوه نمود: من هرنوع کار قانونی را پیش خواهم برد ودراین مسیر به فکر چوکی وجبهه گیری کدام طرف نیستم وتازمانی که مردم ، مطبوعات وآقای کرزی مرا حمایت کنند ازهیچ جناحی هراس ندارم .

گزارشگر: ملکیار

کشته شدن نظامیان آمریکایی در افغانستان

بین نیروهای آمریکایی و گروهی از افراد مسلح در جنوب افغانستان در گیری روی داد وبه کشته شدن چند نظامی امریکایی منجر شد. به گزارش منابع نظامی آمریکا در افغانستان، این نبرد در ولایت زابل روی داد و چهار تن از نظامیان عضو نیروهای مشترک عملیات ویژه در درگیری با افراد مسلح در زابل در روز شنبه ۲۹ می کشته شدند. کشته شدن این چهار نفر به منزله تلفاتی سنگین برای نیروهای آمریکایی در نبردهای طالبان است. این مناطق شاهد حضور افراد مسلحی بوده که گفته می شود از طرفداران رژیم سابق طالبان هستند. از ماه حوت سال گذشته تاکنون بیش از ۷۰۰ نفر در خشونت های افغانستان جان خود را از دست داده اند . به گفتهٔ منابع محلی، در ساعات بامداد روز یکشنبه ۳۰ می چهار تن از مهاجمان عضو طالبان در عملیاتی در قلعهٔ موسی کشته و چندین دیگر دستگیر شدند. به گفتهٔ خبرنگاران ، این منطقه شاهد چندین مورد حملات ظاهراً هماهنگ علیه ساختمان های دولتی و پاسگاه های اردو و پلیس بوده است. انترنت - بی بی سی

مسند سالاران و هراس از مصلحت!

ابوجاهد

از چندی به اینطرف شایعاتی مبنی بر این که مذاکراتی میان حامد کرزی و بعضی از رهبران مجاهدین در بارهٔ برخی از مسایل مهم جریان دارد شنیده می شد. این که این شایعات تا کدام حد درست است و حقیقت چیست و شایعه کدام است، موضوع بحث این نوشته نیست بلکه آنچه که مرا به نوشتن این واداشت، سلسله مقالاتی است که در جراید دولتی و حتی به قلم دست اندرکاران وزارت اطلاعات و فرهنگ با نام های اصلی ومستعار به نشر رسید که به روشنی نشان از نگرانی آنان از آیندهٔ مسند و کرسی و آب و نان داشت.

در یکی از این مقالات این سؤال مطرح شده است که آیا زمان مصلحت های پشت پرده سپری نشده است؟

نویسندهٔ مقاله که به نظر می رسد اوضاع کشور دیگری غیر از افغانستان را به بررسی گرفته است می نویسد که کار آمادگی برای انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان با زور و شور درجریان است و مردم انتظار دارند تا در انتخاباتی به دور از سلطهٔ زور و زر شرکت نمایند و ...

نویسنده از این که از کنفرانس بن تا امروز حامد کرزی هر قدم را مصلحت اندیشانه برداشته است شکوه دارد و می نویسد که بر بنیاد قانون اساسی، حکومت امانت ملت است و باید به ملت سپرده شود.

نویسنده حامد کرزی را به نقض عهد متهم می کند که بار بار گفته بود خواستار یک حکومت ائتلافی نیست و به برقراری یک نظام ریاستی تأکید نمود و مردم هم از همین موقف او به شدت جانبداری کردند.

در مقالهٔ دیگری نویسنده به قول خودش از به وجود آمدن یک ائتلاف دردناک دیگر با جنگ سالاران در عقب دروازه های بسته شکوه دارد و ضمن این که آن را مخالف منافع ملی، قانون اساسی، دموکراسی و جامعهٔ مدنی خوانده است علاوه می کند که چند روز قبل ما با تأسف عمیق جریان ملاقات رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان را با آن عده جنگ سالارانی تعقیب کردیم که از کنفرانس مصلحتی بن تا امروز در کابینهٔ آقای کرزی حضور فعال دارند و می خواهند در جریانات فعلی حضور خود را در داخل کشور و خارج تقویت نمایند.

نویسنده سپس گناه همه بی سروسامانی های دوران پس از سقوط طالبان را به گردن همین گروه می اندازد و سخنان گذشتهٔ آقای کرزی را به یادش می آورد که گفته بود«... من فقط نظام ریاستی و حکومت غیر ائتلافی را ترجیح می دهم زیرا در طول دونیم سال گذشته حکومت های ائتلافی نتیجهٔ مثبت نداد...»

نوشته های اخیر روزنامهٔ هیواد که در فوق به آن اشاره شد، در مطبوعات دولتی ما سابقه ندارد. از سقوط طالبان تا امروز که کنفرانس بن جمعی را از پادوی هوتل های غرب به کرسی های وزارت رسانید، این تبلیغات با قدرت تمام ادامه داشته و عده یی به این باورند که با دادن فحش و دشنام به مجاهدین و رهبران جهاد و سخنانی در حد شخصیت خود شان خواهند توانست ملت را نسبت به آنان بدبین ساخته و خود جانشین آنان در دلهای ملت گردند. آنها در طول این مدت سعی کردند تا از کوبیدن مجاهدین به نام های جنگ سالار و تفنگ سالار... برای خود تختهٔ پرشی برای سوار شدن به شانه های ملت بسازند.

کسانی که تا دیروز با همکاری با رژیم دست نشاندهٔ اتحاد شوروی، دست در دست تجاوز گران داشتند، فرصت را برای کوبیدن دشمنان خود و باداران دیروز خود مساعد یافتند و کار این وقاحت را به جایی کشاندند که کارنامه های جهاد ملت را با نقض حقوق بشر، ضدیت با مردم سالاری و جامعهٔ مدنی و حتی مصالح ملی رابطه دادند. اینها وظیفه داشتند و دارند تا به مسخ افتخارات این ملت بپردازند و به ملت تفهیم نمایند که زندگی در غرب با کمک معاش سوسیال بالاتر از هر افتخار دیگر حتی جهاد این ملت به خاطر ارزش های دینی و ملی آنهاست.

سخن بر سر درستی یا نادرستی شایعات نیست اما این نوع لجن پراکنی های نشرات دولتی در این مقطع از زمان نشان از دست و پاچگی گروهی دارد که با وجود همه تلاش های نامشروع در جهت بی اعتبار ساختن مجاهدین، اینک به ارزیابی کارنامهٔ گذشتهٔ خویش پرداخته اند و می بینند که ملت به تبلیغات سوء آنان هیچ توجهی نداشته است. این که دست اندر کاران در این کشور و تحلیل گران امور سیاسی پس از آنهمه خوش خدمتی های حلقه های معلوم الحال به این نتیجه می رسند که بدون یاری و همکاری مجاهدین نمی توان ره به جایی برد، آیا خود نشانهٔ روشن از این نیست که ملت با مجاهدین است؟ ص۷